

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

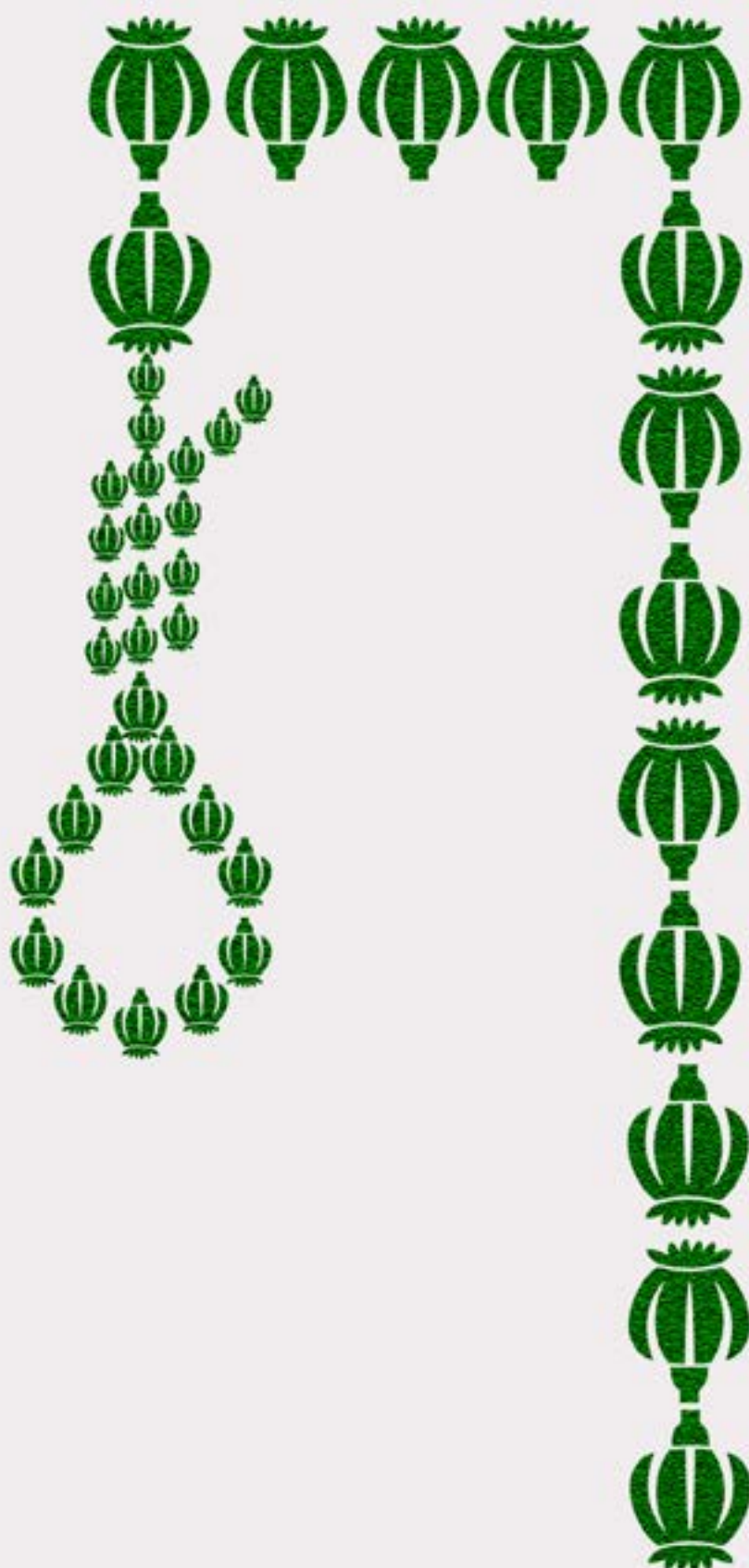
سال چهارم شماره ۹۱

۲۴ آذر ۱۳۹۷ / ۱۵ دسامبر ۲۰۱۸

حقوق ما

نقد قانون جدید

مبارزه با مواد مخدر بعد از یک سال



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: نقی محمودی، شهرزاد کریمی، احسان حسین‌زاده، دلبر توکلی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مبارزه با مواد مخدر؛ اعدام راه چاره نبود

مجازات اعدام برای محکومان مواد مخدر مغایر با

کنوانسیون‌های بین‌المللی است

محدودیت وکلا و تأثیر آن در بازبینی پرونده‌های

جرائم مواد مخدر

چالش‌های حقوقی کاهش مجازات اعدام جرائم مواد مخدر؛

یک سال پس از اجرای الحاق ماده ۴۵

نقد قانون جدید مبارزه با مواد مخدر

در گفت‌وگو با دنیا رضایی

پیام درفشان در گفت‌وگو با حقوق ما:

قضات در تمامی حوزه‌ها می‌توانند سلیقه‌ای عمل کنند

علی مجتهدزاده: مسائل حقوقی را سیاسی نکنیم

سه شعر از مهتاب خرمشاهی

مبارزه با مواد مخدر؛ اعدام راه چاره نبود



کامبیز غفوری

مجله حقوق ما یک سال پیش در [شماره ۶۹](#) به تغییرات جدید در قانون مبارزه با مواد مخدر پرداخت. همکاران من در آن شماره، با حسن نوروزی، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون حقوقی این نهاد قانونگذار، گفت‌وگو کردیم و نظر حقوق دانان نقی محمودی، عبدالصمد خرمشاهی، ناصر زرافشان و تارا سپهری‌فرد را جویا شدیم. این شماره، همان موضوع را پس از یک سال، با حقوق دانان دنیا رضایی، احسان حسین‌زاده، فرمیسک ماردینی، نقی محمودی، پیام درفشان و علی مجتهدزاده، به بحث گذاشتیم.

آن‌چه در ذیل می‌خوانید، بخشی از سرمقاله شماره ۶۹ درباره حکم اعدام در جرائم مربوط به مواد مخدر است:

اندیشه مبارزه با مصرف مواد مخدر و پدیده اعتیاد، از دهه ۱۳۲۰ خورشیدی در میان برخی سیاست‌مداران، کنشگران و مصلحان اجتماعی، شیوع جدی‌تر یافت. تلاش‌ها برای محدود کردن دسترسی مردم به مواد مخدر در «قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاک و مشتقات آن» تجلی یافت که در سال ۱۳۳۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در سال ۱۳۳۴، دولت وقت لایحه «منع کشت خشخاش» را به مجلس ارائه کرد که با تصویب آن، به معتادان شش ماه برای ترک اعتیاد زمان داده می‌شد. قانون منع کشت

یک باب است که باز چون برگشتش به حیثیت اسلام است، لازم است.»

متعاقب بروز این دیدگاه، مبارزه با مواد مخدر به دست صادق خلخالی افتاد؛ حاکم شرعی که به صدور احکام بی‌رویه اعدام معروف بود. او موجی از اعدام‌های مرتبط با قاچاق مواد مخدر را به راه انداخت. خلخالی حتی در نطق استعفاي خود به این اعدام‌ها اشاره کرد و گفت: «بعد از آن‌که از من خواستند سرپرستی دادگاه مبارزه با مواد مخدر را به عهده بگیرم، با وجود کار زیاد وارد عمل شدم و از ارومیه گرفته تا مشهد، از زاهدان تا اصفهان و از شیراز تا قوچان را از وجود عناصر سرکرده در امر مبادله مواد مخدر پاک‌سازی کردیم و بعضی را به زندان انداختیم و برخی را مطابق موازین اسلامی اعدام کردیم به طوری که الان شاید برای نمونه کم پیدا کنید کسانی را که حتی معتاد باشند.»

اما آیا سخن خلخالی در زمینه مفید بودن روش سخت‌گیرانه‌اش در صدور احکام شلاق و زندان برای معتادان و اعدام برای فروشندگان، صادق است؟ بیش از سه دهه تجربه، به مسوولان جمهوری اسلامی نیز آموخت که «نه!» از شما دعوت می‌کنم که مطالب این شماره را بخوانید و شماره ۶۹ را نیز با شماره جدید مقایسه کنید.

می‌شد تا در کنار جلوگیری از ورود معتادان جدید و جوان به چرخه اعتیاد، با تدابیری چون صدور کوپن و سهمیه تریاک برای معتادان، این پدیده دست‌کم کنترل شود.

روحانیون انقلابی اما در سال ۱۳۵۷، دیدگاه متفاوتی به معتادان و مواد مخدر داشتند. آن‌ها معتقد به توطئه‌ای در پس پرده بودند و فروشندگان مواد مخدر را مفسدینی می‌دیدند که باید ریشه‌کن شوند.

آیت‌الله خمینی تنها پنج روز پس از ورود به ایران، نظام شاهنشاهی را مسبب اعتیاد جوان‌ها دانست و در مدرسه علوی به مستمعین گفت: «آن چیزی که مهم است، یکی نیروی انسانی است که به هدر دادند؛ برای این‌که آن چیزهای اعتیادی راه، از قبیل تریاک و هروئین، اینها منتشر کردند و اینها را کشاندند به آنجاها. مراکز فحشا درست کردند و جوان‌های ما را بردند آنجا... جوان‌های ما را به کلی خراب کردند.»

او حدود یک سال بعد، در پنجم دی‌ماه ۱۳۵۸ شیوع مواد مخدر را «نقشه» و لطمه به «حیثیت اسلام» خواند و گفت: «یک نقشه‌های مختلفی است برای جوان‌های ما. یک بابش همین باب مخدرات است؛ تریاک و هروئین و امثال ذلک... مسئله نجات یک آدم نیست، مسئله نجات اسلام است... این



متعدی، مجازات اعدام در جرائم مرتبط با مواد مخدر را به لحاظ «افساد فی الارض» توجیه کرده‌اند.

به هر روی، به دنبال فشار سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی در رابطه با افزایش اعدام در جرائم مرتبط با مواد مخدر، جمهوری اسلامی به ناگزیر با اصلاح موادی از قانون مبارزه با مواد مخدر، گامی به عقب برداشته و از شمول مجازات اعدام، در برخی موارد کاسته است.

مجازات اعدام، موجب کاهش آمار جنائی نمی‌شود
تداوم اعمال مجازات اعدام برای جرایم مرتبط با مواد مخدر خاصه در آسیا، با لحاظ این که نقض آشکار موازین بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شود، نگران کننده است. سی و سه کشور مجازات اعدام یا دست‌کم عنوان آن را برای قاچاق عمده‌ی مواد مخدر مقرر کرده‌اند که بسیاری از آنها در آسیا واقع شده‌اند. در بعضی از کشورها، مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر در قانون فقط نمادین است، و به ندرت

سوال رفتن ادعای جمهوری اسلامی، در این خصوص تلقی می‌شود. از سوی دیگر، پائین آمدن سن استعمال مواد مخدر در کشور، گرایش نوجوانان و جوانان به استعمال، خرید و فروش گاه علنی مواد مخدر در اکثر شهرهای بزرگ، ادعای جمهوری اسلامی را با تردیدهای زیادی مواجه می‌کند. بنابراین، با توجه به مراتب معنوی، به نظر می‌رسد که حاکمان اسلامی در ایران، عزمی جدی برای مبارزه با مواد مخدر ندارند.

به رغم این که مجازات اعدام در ارتباط با مواد مخدر، در طول حیات چهل ساله‌ی جمهوری اسلامی بی‌محبا اعمال شده است، تا به حال کمک موثری به کاهش خرید و فروش و استفاده از مواد مخدر نکرده است. از سوی دیگر، وجود مجازات اعدام در این خصوص، با توجه به این که نظام حقوقی حاکم در جمهوری اسلامی ایران، یک نظام حقوقی مبتنی بر شرع اسلام بوده و چنین مجازاتی در شرع اسلام پیش‌بینی نشده است، خود نکته‌ی قابل تأمل دیگری است. هر چند که مسئولان قضائی در جمهوری اسلامی، در اظهار نظرهای

مجازات اعدام برای محکومان مواد مخدر مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی است



نقی محمودی

با وجود ممنوعیت نسبی و یا جرم‌زدائی از برخی جرائم مرتبط با مواد مخدر، مثل خرید، فروش، حمل، نگهداری و استفاده از ماری جوانا در برخی از کشورها در سال‌های اخیر، هنوز هم مبارزه با مواد مخدر یکی از مشغله‌های عمده‌ی کشورهای است که در آنها ممنوعیت مطلق و حتی نسبی در ارتباط با مواد مخدر لحاظ می‌شود.

جستجوی راه‌کارهای مناسب برای ممانعت از ورود و ترانزیت مواد مخدر و روان‌گردان هزینه‌های زیادی را به پلیس و دادگستری کشورها تحمیل می‌کند.

ایران، به علت مجاورت با کشور افغانستان به عنوان یکی از مراکز عمده‌ی کاشت، تولید و صادرات مواد مخدر سنتی و گاه آزمایشگاهی، از ویژگی خاصی برخوردار است. چرا که بخش قابل توجهی از موارد مخدر صادر شده از افغانستان، یا در داخل ایران به فروش می‌رود و یا از طریق خاک ایران در گام نخست به جمهوری ترکیه و در گام‌های بعدی از آنجا به کشورهای اروپایی ترانزیت می‌شود.

ادعای جمهوری اسلامی در مبارزه‌ی بی‌امان با فروشندگان عمده و یا ترانزیت مواد مذکور، ادعائی است که چندان با واقعیات همخوانی ندارد. از سوی دیگر، وجود شواهدی مبنی بر دخالت سپاه پاسداران در زمینه‌ی واردات مواد مخدر از افغانستان و اجازه‌ی ترانزیت به جمهوری ترکیه، از دلایل زیر



اجرا می‌شود. با وجود این، متهمان به جرایم مربوط به مواد مخدر پیوسته در هفت کشور جهان اعدام می‌شوند؛ و شش کشور از این هفت کشور در آسیا قرار دارند: چین، ایران، ویتنام، مالزی، سنگاپور و اندونزی.

در ایران، برای نمونه، بیش از ۳۰۰ متهم مواد مخدر فقط در سال ۲۰۱۴ اعدام شده‌اند.

در اندونزی تعلیق پنج ساله‌ی مجازات اعدام در سال ۲۰۱۳ به سر آمد و فقط در چهار ماه نخست سال ۲۱۰۴، چهارده اعدام اجرا شد.

علی رغم این که قوانین مبارزه با مواد مخدر، سابقه‌ای دیرینه در ایران دارد ولی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران در حاکمیت جمهوری اسلامی اعمال می‌شود. این مجازات در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحیه این قانون در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ در موارد متعددی پیش‌بینی شده است.

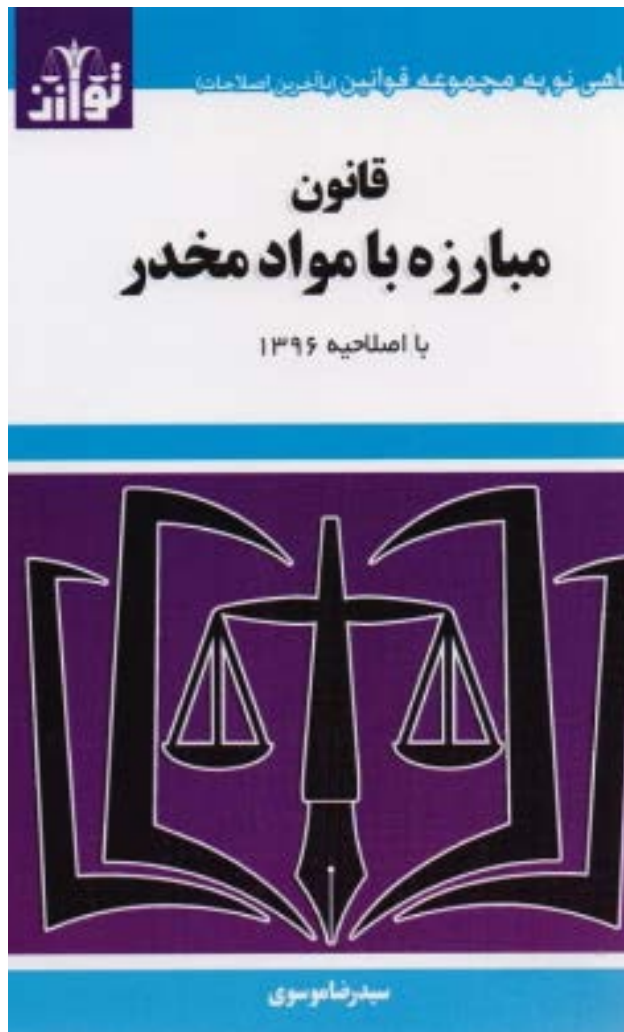
با توجه به اعدام تعداد بسیار زیادی از مجرمان مواد مخدر و همچنین میزان وقوع جرائم مواد مخدر در طول سال‌های اجرای این قانون، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کیفر اعدام توانسته است اهداف مجازات‌ها به‌ویژه هدف بازدارندگی عام را محقق کند؟ آنچه از ملاحظه واقعیات جامعه و آمارهای رسمی ارائه شده برمی‌آید، این است که موفقیت کیفر اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر در تأمین اهداف مجازات‌ها با تردید جدی مواجه است. عدم کارایی و ناتوانی آن در تأمین اهداف مجازات‌ها، عدم تناسب این کیفر با برخی رفتارهای مجرمانه موجود در قانون مزبور و نقض اصول حاکم بر مجازات‌ها به‌دلیل وضع و اجرای اعدام به اثبات رسیده است.

هدف اصلی از مجازات، تنبیه، اصلاح و بازگرداندن مجرم به جامعه است، در حالی که با اعدام مجرم، چنین هدفی از مجازات محقق نمی‌شود. موافقین اعدام خاصه در جرائم مرتبط با مواد مخدر، معتقدند که اعدام باعث اخافه‌ی دیگران شده و در نتیجه باعث کاهش جرائم مذکور می‌شود؛ تعبیر و تصور عامیانه‌ای که گاه از زبان مسئولان سیاسی و قضایی نیز شنیده می‌شود. اما حداقل تجربه و سابقه‌ی ۴۰ سال اعدام در جمهوری اسلامی پیش چشم همگان است. از سوی دیگر، به لحاظ موارد متعدد ممکن است مجازات اعدام حتی با موازین حقوقی یک کشور در تعارض باشد. بدین شرح که امکان اشتباه قاضی در صدور حکم وجود دارد، امکان دارد اقرار تحت شکنجه کسب شده باشد، متهم از سوی افرادی به اقرار ارتکاب جرم تهدید یا تطمیع شده باشند، شهود شهادت کذب داده باشند، پلیس به

لحاظ اشتباه یا تهدید و تطمیع گزارش خلاف واقع داده باشد و قس علیهذا. بحث تطمیع رانندگان که حامل مواد مخدر بوده‌اند، از شایع‌ترین موارد مطروحه در این خصوص است. معمولاً رانندگان وسائط نقلیه‌ی سنگین که برای صاحبان این وسائط کار می‌کنند، در بسیاری مواقع از سوی کارفرما و یا کسی که محموله را برای حمل و نقل و انتقال به وی سپرده‌اند در مقابل مبالغی پول که حتی در بعض مواقع، مبالغ هنگفتی هم نبوده است، تطمیع شده‌اند. بدین ترتیب که به نجات آنها از مجازات اعدام در صورت اقرار به این که محموله متعلق به خود راننده است، تطمیع و امیدوار شده‌اند ولی پس از اقرار، با حکم اعدام روبرو شده‌اند و یا افراد بی‌بضاعت و آسیب‌پذیری که به علت عدم تمکن مالی و یا وجود مشکلی که راه حل آن، مقدار زیادی پول است، خطر اعدام را به جان می‌خرند.

الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر و تاثیر آن بر کاهش مجازات اعدام

الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، همان گونه که در مقدمه اشاره شد، در اثر فشارهای سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، قابلیت تصویب و اجرا پیدا کرد. طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، پس از تـمـین نظر شورای نگهبان تصویب و از آبان ماه سال ۱۳۹۶ لازم‌الاجرا گردید. بر اساس ماده‌ی الحاقی مذکور، مجازات اعدام در مواردی محدود به سقف میزان مواد و مشروط به شرایطی شده است. این قانون به‌سان سایر قوانین مساعد به حال متهمین و محکومین، قابلیت عطف به ماسبق را داراست ولی متسفانه به لحاظ کثرت پرونده‌های مختومه و جاری در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر، در مواردی جرم‌زائی ایجاد کرده است. بدین شرح که طبق گزارش سازمان حقوق بشر ایران به نقل از نزدیکان متهمین و محکومان، قضات رسیدگی کننده به چنین پرونده‌هائی، جهت رسیدگی خارج از نوبت، از آنها مطالبه‌ی رشوه کرده‌اند. بر اساس همین گزارش و به نقل از خانواده‌ی یکی از محکومین در دادگاه انقلاب ارومیه: «پرونده زندانیان محکوم به اعدام ارومیه خوب پیش می‌رود و اکثر احکام اعدام و ابد شکسته شده. تنها شعبه [...] دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی [...] اقدام به تـیـید چند پرونده کرده که شامل این اصلاحات می‌شدند. این قاضی از خانواده زندانیان رشوه خواسته و چون آن‌ها پول ندادند، لج کرده و حکم اعدام را تـیـید کرده [است]. اکنون خانواده‌های زندانیانی که حکم



اعدام‌شان تایید شده، نمی‌دانند چه می‌توانند بکند و آیا حق اعتراض دارند یا خیر؟»

متسفانه به لحاظ فساد اداری عمیق در جمهوری اسلامی ایران خاصه در دادگستری‌ها، احتمال چنین امری طبیعی می‌نمود.

با این وصف، طبق آمار و ارقام استخراج شده توسط سازمان حقوق بشر ایران، در سال ۲۰۱۷ دست‌کم ۲۳۱ نفر برای جرایم مربوط به مواد مخدر اعدام شده‌اند. این تعداد کاهش ۲۲ درصدی را نسبت به تعداد اعدام‌های مربوط به مواد مخدر در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد. مع‌الوصف، این آمار به طور قابل توجهی پایین‌تر از متوسط تعداد اعدام سالانه مواد مخدر در شش سال گذشته است. سازمان حقوق بشر ایران در حد فاصل اجرایی شدن قانون جدید (۲۳ آبان ماه ۱۳۹۶) و ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ هیچ مورد اعدامی در ارتباط با پرونده‌های جرائم مواد مخدر را ثبت نکرده است.

همچنین طبق آمار سازمان حقوق بشر ایران، دست‌کم ۷۸ تن از یکم ژانویه تا ۲۰ مه ۲۰۱۸ در ایران اعدام شده‌اند که چهار

مورد از این اعدام‌ها در ملاءعام برگزار شده است و سه نفر از اعدامیان، کودک-مجرم بودند و زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند. از این ۷۷ مورد اعدام، ۶۳ مورد قصاص نفس (۸۰ درصد کل موارد)، هفت مورد محاربه و افساد فی الارض، هفت مورد تجاوز جنسی و یک مورد مرتبط با مواد مخدر بودند.

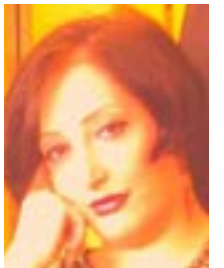
مجازات اعدام، مجازاتی نامتناسب برای جرائم مرتبط با مواد مخدر

اسناد بین‌المللی بر این موضوع پای می‌فشارند که مجازات اعدام، مجازاتی متناسب برای این‌گونه جرائم نبوده و در صورت اعمال، صرفاً باید در جرائم مهم اعمال شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یکی از اسناد مذکور است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجازات اعدام را به طور مطلق منع نکرده است بلکه محدودیت‌هایی را بر شرایط اجرای مجازات اعدام برقرار کرده است، به ویژه این که این مجازات را فقط می‌توان در مورد مهم‌ترین جنایت‌ها اجرا کرد. این میثاق در ماده‌ی ۶ مقرر کرده است: ۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

۲. در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت...

همچنین طبق کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر کننده، مجازات اعدام به خاطر آسیب جسمانی و روانی که به محکومان به اعدام وارد می‌آورد، نقض ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر‌آمیز بر اساس آنچه در کنوانسیون مذکور مطرح شده، به شمار می‌رود. مجازات اعدام با محروم کردن قربانی از حق زندگی، مجازاتی ظالمانه و غیرانسانی است و اغلب به روشی ظالمانه – همچون فرایند عذاب‌آور اجرا می‌شود که معادل شکنجه‌ی جسمانی است. همچنین، محکومان به اعدام اغلب در انتظار برای اعدام، شکنجه‌ی شدید جسمانی و روانی را از سر می‌گذرانند که در غالب موارد ممکن است بیش از یک دهه به درازا بکشد. محاکمه متهمان به جرائم مواد مخدر همچنین به لحاظ عدم شفافیت کافی و محاکمه در دادگاه‌های غیر عمومی(دادگاه های انقلاب) از دسترسی به یک دادرسی عادلانه و بی طرف محروم هستند.

محدودیت وکلا و تأثیر آن در بازبینی پرونده‌های جرائم مواد مخدر



شهرزاد کریمی

کرد برای کاهش تعداد اعدام مربوط به مواد مخدر. آیا شما یا همکاران‌تان شاهد تأثیرات این قانون و کاهش اعدام‌ها بودید؟

در قانون قبلی مبارزه با مواد مخدر تقریباً بیش از ۱۵ مورد برای اعدام قاچاقچیان پیشبینی شده بود. با اقدامی که مجلس صورت داد، بالطبع چند هزار نفر از گردونه اعدام خارج میشوند ولی نکته مهم این است که عفو به حبسهای طولیل المدت تعلق نمیگیرد. یعنی کسی که ۲۰ سال محکومیت میگیرد، باید آن را تا پایان طی کند و کسی که به اعدام محکوم می شود هیچ امیدی برای تبدیل حکمش به حبس ابد ندارد. در شرایط فعلی چه کسانی که به اعدام محکوم شوند و چه کسانی که حبس طولیل المدت می‌گیرند، هیچ امیدی برای تعدیل مجازاتشان ندارند. به این ترتیب می‌توان گفت مسلماً تعداد اعدامها کمتر شده ولی در عمل شاهد پر شدن زندان‌ها بودهایم و از سوی دیگر اساس این ماده قانونی بر پایه وجود اعدام در قانون گذاشته شده که خود به نوعی رسمیتبخشیدن به وجود حکم اعدام است.

آیا قضاتی وجود دارند که با وجود اجرایی شدن قانون آن را اعمال نکنند یا سلیقه‌ای برخورد کنند؟ اگر بله، به چه دلیل؟ ممکن است در مواردی سلیقه‌های عمل شود ولی به هرحال وجود این ماده قانونی طبعاً دست وکلا را برای دفاع بازتر و دست قضاات را برای صدور حکم اعدام بسته‌تر می‌کند. شخصا مورد مشخصی درباره سلیقه‌ای عمل کردن قضاات نشنیدم. به هر حال این را هم باید در نظر گرفت که موضوع مواد مخدر از منظر شرعی، جدای از

مراحل دادرسی می‌تواند بصورت مستقیم در سرنوشت یک متهم اثرگذار باشد. اما هم متهمین جرم‌های مواد مخدر با محدودیت انتخاب وکیل روبرو هستند و هم وکلا برای اعاده دادرسی محدودیت‌هایی دارند. این مسائل می‌تواند بر حکم نهایی صادر شده اثرگذار باشد. فرمیسک ماردینی، دانش‌آموخته حقوق قضایی در ایران و همچنین دانشجوی حقوق دانشگاه Tafe استرالیاست. در گفتگویی که می‌خوانید، تمرکز او بیشتر بر محدودیت‌های وکلا و همچنین محدودیت انتخاب آن‌ها توسط متهمین مواد مخدر است؛ چالشی که به نظر او می‌تواند مستقیماً سرنوشت محکومان را تغییر دهد بدون آن که چندان به چشم بیاید.

درباره خود این تبصره و تغییرات بعد از آن نسبت به قبل برای ما توضیح دهید

این طرح از ابتدای مطرح شدن موافقان و مخالفانی داشت. موافقان معتقد بودند که اعدام عملاً تأثیر چندانی بر کاهش قاچاق مواد و تولید آن نداشته است. مخالفان، از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر، بیان می‌کردند که کاهش مجازات کار درستی نیست و باعث هزینه‌های گزاف امنیتی و سلامت اجتماعی بر دوش جامعه و حکومت می‌شود. به هرحال، با تمام مخالفت‌ها و موافقت‌ها بالاخره قانون ابلاغ شد. این قانون باعث شد که شروطی برای لحاظ شد.

حدود یکسال از الحاق یک ماده به قانون مبارزه مواد مخدر می‌گذرد. قانونی که در زمان تصویب امیدهای زیادی ایجاد



قانون، به شدت برخی جرم‌های دیگر تابو نیست و شاید همین امر باعث شود قضاات با حسن نیت بیشتری برخورد کنند. اما متهمان مواد مخدر متأسفانه محدودیت‌هایی برای انتخاب وکیل در قانون دارند. این متهمان در مواردی از حق دفاع و دادرسی عادلانه محروم هستند. این مسئله غیر مسقیم بر سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد. از جمله می‌توان از تبصره ماده ۴۵ نام برد که مورد انتقاد بسیاری از وکلاست. در این ماده عملاً دست متهم برای انتخاب وکیل مورد اعتماد بسته شده همین مسئله می‌تواند به کلی سرنوشت یک متهم را عوض کند.

محدودیت‌های قانونی وکلا برای استناد به این قانون در دادگاه‌ها معمولاً چه چیزهایی است و بنظر شما باید برای کدام بخش‌ها تلاش بیشتری شود تا دست وکلا بیشتر باز شود؟

شاید در این بخش بیش از محدودیت‌های وکیل باید به همان سوال قبلی شما پرداخته شود. به نوعی این دو سوال هم در ارتباط مستقیم است. ایرادی که به وکلای تسخیری وارد می‌شود این است

که معمولاً در پرونده‌های مواد مخدر با پذیرش اصل اتهام سعی‌شان فقط در تغییر نظر قاضی یا نهایتاً گرفتن اندکی تخفیف در مجازات است. دستمزد کم، کیفیت دفاع را کاهش می‌دهد. البته این عمومیت ندارد ولی بهرحال اطمینان موکل به وکیل در مراحل مختلف دادرسی مهم است.

گفته می‌شود به تمام محکومان پیشین اعدام که مشمول تغییر حکم می‌شدند، فارغ از میزان موادی که حمل می‌کردند، ۲۵ تا ۳۰ سال حکم زندان و جریمه سنگین داده است. آیا شما تناسبی در صدور این احکام می‌بینید؟ قطعاً این تناسب وجود ندارد. مسلماً عادلانه نیست که برای ۳۰۰ گرم و مثلاً بالای ۱۵ کیلو حکم یکسان صادر شود. این خودش نشانه‌دهنده نپختگی قانون و تبصره جدید است.

در مجموع به نظر شما رویکرد قضاات با توجه به تبصره‌های اینچنینی در دادگاه‌ها می‌تواند برای کاهش اعدام موثر باشد؟ در یک سیستم قضایی مستقل و سالم قوانین تفسیر می‌شوند تا دامنه جرم محدود شود در دادگاه‌های انقلاب نه تنها اصل براءت کمتر مورد توجه قضاات است. متأسفانه در مرحله تحقیقات گزارش‌های فراوانی درباره اعتراف‌گیری به اجبار یا شکنجه متهمین و یا فشار درباره اینکه اگر متهم بیگناهی خود را ثابت کند، شنیده شده است. در واقع به جای این‌که سیستم قضایی دلیل ارائه کند برای اینکه متهم را محکوم کند، به او فشار می‌آورد که بیگناهی‌اش را ثابت کند. با کمبود وکلای مستقل و این چنین تحقیقاتی، چگونه می‌توان به قطعیت گفت که قضاات نمی‌توانند سلیقه‌ای عمل کنند؟ در نهایت به نظر من هرگونه برخورد سلیقه‌ای در چنین سیستمی می‌تواند به ضرر متهم باشد.

آیا می‌توان انتظار داشت که قوانین مشابهی در زمینه‌های دیگر، مانند ممنوعیت اعدام کودکان، یا ممنوعیت اعدام در ملاء عام تصویب شوند؟ ظاهراً قانون محدود کننده اعدام کودکان (موسوم به ماده ۹۱) به اندازه قانون جدید مواد مخدر موثر نبوده است.

بهرحال ما شاهد این بودیم که برخی مسئولین و سازمان‌های حقوق بشر نگران بودند و به این نتیجه رسیدند که باید این اعدام‌ها متوقف شود. دستگاه قضایی، مجلس و هر نهادی که به هر شکلی دستی در قانون‌گذاری دارد باید حرکتی انجام دهد. نگرانی به تنهایی کافی نیست. چرا که امروز جامعه ما به حذف اعدام نیاز دارد و این مسئله را به اشکال مختلف نشان داده است.

چالش‌های حقوقی کاهش مجازات اعدام جرائم مواد مخدر؛ یک سال پس از اجرای الحاق ماده ۴۵



احسان حسین‌زاده

قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ در آبان ماه سال ۹۶ اجرایی شد. مطابق این قانون مرتکبان جرائمی که مشمول مجازات اعدام یا حبس ابد هستند، در صورتی که از سلاح استفاده نکرده باشند و یا نقش سرکردگی و سرمایه‌گذار نداشته باشند و یا قبلاً به علت ارتکاب جرائم مذکور در این قانون، به اعدام، حبس ابد و با حبس بیش از ۱۵ سال محکوم نشده باشند، مشمول قانون لاحق می‌شوند و حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان گردان محکوم می‌شوند.

این قانون یکی از محدود گام‌های مثبت سیستم قانون‌گذاری و قضایی نظام جمهوری اسلامی در حذف مجازات اعدام است که به گفته محمدعلی پورمختار^۲ مسئول کمیته ویژه حقوقی قضایی مجلس، باعث اعدام زدایی از ۷۰ درصد مجرمین مشمول قانون



مبارزه با مواد مخدر شده است و به گفته حسن نوروزی^۳ سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با اجرایی شدن این قانون ۴۷۰۰ نفر از مجازات اعدام نجات پیدا می‌کنند.

علی‌رغم مثبت بودن دید کلی منتقدین به قانون جدید، این قانون دچار مشکلات و نواقصی است که برای داشتن یک دید کلی نسبت به نواقص این قانون باید از دو گزارش بهره برد. اول گزارشی‌ست که سازمان حقوق بشر ایران^۴ در مصاحبه با خانواده برخی از مشمولین قانون جدید تهیه کرده است. بر اساس این گزارش و به گفته مصاحبه شونده‌گان، در این قانون بین مجازات و جرائم تناسبی وجود ندارد. برای مثال قضات بدون درنظر گرفتن مقدار مواد کشف شده برای اکثر مشمولین مجازات اعدام بر اساس قانون قدیم، ۳۰ سال زندان و ۲۰۰ میلیون تومان جزای نقدی درنظر گرفته‌اند که به گفته مصاحبه‌شونده‌گان قضات در تعیین مجازات بین جرم قاچاق ۲۰۰ گرم و ۴۰ کیلوگرم هروئین تفاوتی قائل نشده‌اند.

همچنین کند بودن روند رسیدگی از جمله مشکلات اجرای قانون جدید بوده است که البته این مساله از خصایص کلی رسیدگی قضایی در قوه قضاییه جمهوری اسلامی ست که بعد از چهل سال از استقرار این نظام تقریباً همه ایرانیان به این مساله واقف هستند که روند رسیدگی در دادگستری بصورت آزاردهنده‌ای کند است. همچنین این انتقاد به قانونگذار و قضات وارد است که هدف از تعیین جزای نقدی آن هم به اندازه ۲۰۰ میلیون تومان برای مجرمانی که به گفته کمالی‌پور، نائب رییس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس^۵، مجرمان خرده‌پایی هستند که مورد سو استفاده سردسته‌های قاچاق قرار گرفته‌اند، چیست؟ از دیگر انتقادهایی که می‌توان به این قانون و این روند رسیدگی وارد کرد این است که آیا هیچ طرحی برای استفاده از این مبالغ کلان در راستای اصلاح و یا ایجاد اشتغال و بازگشت مجرمین مواد مخدر به جامعه در نظر گرفته شده است؟ آیا هیچ برنامه‌ای برای بازگشت این ۴۷۰۰ شهروند مجرم و همچنین مجرمین آینده حوزه مواد مخدر به جامعه وجود دارد؟ و یا صرفاً هدف خلاصی آنها از مجازات اعدام و رها کردن این اشخاص در جامعه است که خود زمینه ساز ایجاد مشکلات بعدی برای این اشخاص خواهد بود؟! قانون‌گذار باید از خود سوال کند که آیا فلسفه تقلیل مجازات اعدام با اجرایی شدن این قانون جدید منشاء گرفته از الزامات حقوق بشری است یا هدف صرفاً اخذ جریمه نقدی به اندازه ۲۰۰ میلیون تومان از ۴۷۰۰ نفر و پر کردن خلاء بخشی از کسری بودجه دولت است؟

گزارش دوم مربوط است به نشست قضایی قضات دادگستری^۶ که

3. <https://iranhr.net/fa/articles/3325/>

4. <https://iranhr.net/fa/articles/3325/>

5. <https://khabarban.com/a/22290798>

6. <https://www.ghazavatonline.com/26548/how-to-apply-article-45-of-anti-narcotic-law/>

1. <http://www.rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=15401>

2. <http://esfahanemrooz.ir/48688-70-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF-%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%AE%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B4%D9%85%D9%88%D9%84-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%B2%D8%AF%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%B4%D8%AF%D9%86%D8%AF.html>

به بررسی نواقص و طرح سوالات در مورد قانون جدید می‌پردازد. بر اساس این گزارش، رای اصلاحی اصداری غیرقابل تجدیدنظر خواهد بود. به نظر می‌رسد باتوجه به سنگین بودن مجازات‌های درجه یک و دو، لزوم قابل تجدیدنظر بودن این احکام بیش از پیش مهم می‌نماید. هرچند استدلال شکلی قضات در مورد یک مرحله‌ای بودن این رسیدگی مجدد صحیح است اما از نظر عقلی و منطقی اصلاح یک رای و تعیین مجازات جدید آن هم مجازات سی سال حبس (جایگزین مجازات اعدام) و دیگری ۱۵ تا ۲۵ سال حبس (جایگزین مجازات حبس ابد) هرچند که جنبه تخفیفی هم داشته باشد، بازهم این گستره و نوسان میزان مجازات لزوم وجود یک سیستم تجدیدنظر را بسیار ضروری می‌سازد. و این در شرایطی است که بر اساس همین گزارش، قضات می‌توانند در وقت فوق العاده به پرونده ها رسیدگی کنند و حکم اصلاحی در وقت فوق العاده صادر می‌شود. حال تصور کنید قاضی با این حجم بالای پرونده، در خارج از وقت اداری در دفتر خود نشسته است و می‌خواهد برای کسی که در حکم سابق خود باید متحمل حبس ابد می‌شد، حدود ۱۵ تا ۲۵ سال حبس مشخص کند، آیا عقل سلیم اجازه می‌دهد این روند بدون یک تجدیدنظرخواهی تمام شود؟ قطعا وجود یک سیستم تجدیدنظرخواهی در اعمال قانون جدید از تضییع حقوق مجرمین و بروز اشتباهات انسانی، آن‌هم در این سیستم آشفته قضایی، جلوگیری خواهد کرد.

از ایرادات اساسی دیگر اینکه هنوز با وجود تقلیل مجازات اعدام ما شاهد وجود اعدام برای برخی مجرمین مواد مخدر هستیم. ۱۲ نفر در کرمان^۷، ۳ نفر در اراک^۸، یک نفر در ارومیه^۹ یک نفر در تبریز^{۱۰} و صدور حکم اعدام ۵ نفر در خوی^{۱۱}، اینها بخشی از آمارهایی ست که در یک‌ساله‌ی پس از اجرایی شدن این قانون گزارش شده است. وجود اعدام یک مشکل است و ابهام در قانون جدید مشکلی دیگر. بند ب قانون جدید متهمینی که نقش سردستگی در جرائم مواد مخدر دارند را مشمول تخفیف نمی‌داند و به نظر می‌رسد این ابهام و مشخص نکردن دقیق مفهوم سردستگی، دست قضات را در صدور حکم اعدام باز گذاشته است. آیا سردرستگی قاچاق مواد مخدر در

7. <https://iranhr.net/fa/articles/3605/>
8. <https://iranhr.net/fa/articles/3608/>
9. <https://iranhr.net/fa/articles/3581/>
10. <https://fa.iran-hrm.com/%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%A7-%D8%AD%D8%A9%D9%85-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%AF%D9%88-%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D8%AD%D8%A9%D9%88%D9%85-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85/>
11. <http://www.irna.ir/wazarbajian/fa/News/83156361>

یک شهرستان کوچک مثل خوی باید پنج مجازات اعدام در پی داشته باشد؟!

علی‌رغم اجرایی‌شدن قانون جدید، مقاومت ها در برابر این قانون همچنان ادامه دارد. در دو اظهارنظر مشابه از جانب مقامات مسئول در حوزه جرائم مواد مخدر عنوان شده است که حذف مجازات اعدام برای برخی جرائم مواد مخدر، باعث افزایش قاچاق شده است. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا اعلام کرده که در پی تعدیل مجازات جرائم مواد مخدر، نیروی انتظامی شاهد افزایش قاچاق محموله‌ها بوده است.^{۱۲} همچنین محمد دهقان، نماینده چناران در مجلس شورای اسلامی، اشاره کرده است که تقلیل مجازات اعدام در برخی جرائم مواد مخدر باعث افزایش قاچاق و افزایش کشفیات شده است.^{۱۳} با نگاهی به این نوع اظهارنظرها می‌توان نتیجه گرفت که این رویکرد قانون‌گذار هنوز دارای پشتوانه فکری ثابت و محکمی نیست و هر آن احتمال دارد با بررسی آمارها و نتیجه‌گیری از میزان بالا رفتن کشفیات و قاچاق مواد مخدر، به ناکارآمدی این قانون جدید رای داده شود. لذا به نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های این قانون که قطعا رویکرد بسیار مثبتی در راستای اجرایی ساختن مبانی حقوق بشر است، نبود پشتوانه فکری در بین قانون‌گذاران است طوری که قانون‌گذار هنوز به این قطعیت نرسیده است که حذف مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر یک الزام حقوق بشری و یک رویکرد سیاست جنایی برای دوری از سیاست تنبیهی و اتخاذ رویکرد اصلاحی و تربیتی است و هنوز با اتکا به آمارها تردیدهایی در اجرای این قانون وجود دارد که باید با حفظ فشارهای رسانه‌ای و همچنین فشارهای بین‌المللی از جانب نهادهای حقوق بشری و همچنین با فرهنگ‌سازی و آموزش شهروندان، مسئولین و قانون‌گذاران، مبانی حقوق بشری حذف مجازات اعدام را تقویت کرد تا مبدا شاهد پسرفت در این زمینه باشیم.

12. <http://www.icana.ir/Fa/News/401067/3-%D9%87%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%82%D8%A7%DA%86%D8%A7%D9%82%DA%86%DB%8C-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%AE%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D9%86%D9%88%D8%A8%D8%AA-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%AF-%D9%85%D8%AC%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF>
13. <https://www.farsnews.com/amp/13970925001197>

نقد قانون جدید مبارزه با مواد مخدر

در گفت‌وگو با دنیا رضایی



شهرزاد کریمی

بعد از کش و قوس‌های فراوان، سال گذشته الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر انجام شد. اکنون بعد از گذشت یکسال بهتر می‌توان تاثیرات مثبت و منفی این قانون را بررسی کرد. در این باره، با دنیا رضایی، وکیل پایه یک دادگستری، گفت‌وگویی داشتیم که در پی می‌آید:

لطفا درباره خود این تبصره و تغییرات بعد از آن نسبت به قبل برای ما توضیح دهید

در قانون قبلی مجازات مربوط به مواد مخدر که در سال ۸۹ اصلاح و ابلاغ شد، تقریبا ۱۵ مورد مربوط به اعدام مشاهده می‌شود. در قانون قبلی بر اساس ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر برای کسانی که صادرکننده، ارسال کننده، توزیع‌کننده، سازنده و فروشنده مواد مخدر تا ۵ کیلوگرم تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و حشیش بودند، موضوع اعدام مطرح می‌شد. بر اساس ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر تولیدکننده، توزیع‌کننده، صادرکننده و فروشنده هروئین، کوکائین و انواع روانگردان‌ها مثل شیشه و الاسدی با بیش از ۳۰ گرم مشمول اعدام می‌شدند.

اما در قانون جدید جرائم مربوط به ۵ کیلوگرم تریاک تبدیل به ۵۰ کیلوگرم شده و در خصوص ماده ۸ نیز مجازات مربوط به ۳۰ گرم حمل، تولید، واردات و صادرات فروش

یکی از موارد نگران‌کننده

در دستور العمل اجرایی

ماده ۴۵ این است که

چنانچه قضات مورد را

مشمول بند (ب) ماده ۱۰

قانون مجازات اسلامی

ندانند، تقاضای تخفیف

را مستدلا رد و پرونده

را به مرجع مربوط اعاده

می‌کنند.

مواد روانگردان مانند هروئین و کوکائین به سه کیلوگرم افزایش یافته است.

در این اصلاحیه صدور اعدام به طور اخص محدود شده و به طور عام یک درجه تخفیف در برخی از موارد را پیش‌بینی کرده است به عبارت دیگر به موجب قانون قبل از اصلاح ۹۶ بدون هیچ شرط و قیدی مرتکب به مجازات اعدام در موارد موضوع ماده ۴ و ۸ محکوم می‌شد اما اکنون مرتکبی که یکی از شرایط چهارگانه مستند در ماده ۴۵ را نداشته باشد به اعدام محکوم نخواهد شد. که شامل این ۴ بند است:

الف- مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند.

ب- در صورتی که مرتکب نقش سردستگی یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ- مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد.

ت- کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب)، یا (پ) نیز می‌باشد.

حدود یک‌سال از الحاق یک ماده به قانون مبارزه مواد مخدر می‌گذرد. قانونی که در زمان تصویب امیدهای زیادی ایجاد کرد برای کاهش تعداد اعدام مربوط به مواد مخدر. آیا شما یا همکاران تان شاهد تاثیرات این قانون و کاهش اعدام‌ها بودید؟

بعد از اجرای این قانون، این ماده طی دستورالعملی که از طرف رییس قوه قضاییه به مراجع قضایی سراسر کشور ابلاغ شد. قضاات اجرای احکام کیفری مکلف شدند در اسرع وقت همه پرونده‌های مشمول بند (ب) ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با اولویت محکومان به اعدام، ضمن توقف اجراء، مورد بررسی قرار دهند و چنانچه اجرای ماده

واحد موجب تخفیف مجازات محکومان می‌شود، مراتب را طی شرحی به همراه پرونده به شعبه دادگاه انقلاب صادر کننده حکم قطعی یا جانشین آن ارسال کنند. همچنین در متن دستورالعمل آمده در صورتی که محکوم علیه راسا تقاضای تخفیف کند، قاضی اجرای احکام نیز مکلف است درخواست وی را به همراه پرونده به دادگاه ارسال کند. زندانیان مشمول این ماده نیز می‌توانند تقاضای خود را به رئیس زندان مربوطه تحویل دهند. این امر باعث شد زندانیان زیادی درخواست بررسی مجدد براساس قانون جدید دادند که مورد موافقت قرار گرفت.

آیا قضاتی وجود دارند که با وجود اجرایی شدن قانون آن را اعمال نکنند یا سلیقه‌ای برخورد کنند و به چه دلیل؟

از زمان قانونگذاری منتقدین ایراداتی به قانون و نحوه رسیدگی و اجرای قوانین داشته و دارند. در خصوص قانون مبارزه با مواد مخدر و بالاخص این ماده، برای اجرا و تفسیر باید به دیگر قوانینی که در راستای این قانون هستند، توجه داشت؛ از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی.

این دو قانون نیز در چند سال اخیر به تصویب رسیده‌اند؛ هرچند ایرادات زیادی به بعضی از مواد این قوانین وارد است که در این مقال نمی‌گنجد. اما قضاات در زمان رسیدگی و صدور رای می‌بایست تمامی موارد مرتبط با قانون مبارزه با مواد مخدر را اعمال و در احکام صادره به صورت مستدل و مستند درج نمایند. انسان جایز الخطاست و این مورد شامل قضاات نیز می‌شود؛ لذا امکان برخورد سلیقه‌ای وجود دارد و اگر موضوع جزو موارد تخلف قضاات باشد، طبق قانون نظارت بر رفتار قضاات می‌توان علیه قاضی متخلف اقامه دعوی کرد. یکی از موارد نگران‌کننده در دستورالعمل اجرایی ماده ۴۵ این است که چنانچه قضاات مورد را مشمول بند (ب) ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ندانند، تقاضای تخفیف را مستدلا رد و پرونده را به مرجع مربوط اعاده می‌کنند. تصمیم دادگاه قطعی است، یعنی دیگر مجرم امکان اعتراض به حکم اصلاحی را ندارد.

محدودیت‌های قانونی وکلا برای استناد به این قانون

در دادگاه‌ها معمولا چه چیزهایی است و به نظر شما باید برای کدام بخش‌ها تلاش بیشتری شود تا دست وکلا بیشتر باز شود؟

بدیهی است در یک سیستم قضایی مستقل و سالم، اصول و مبانی دادرسی عادلانه حاکم است و اصل برائت در پرونده‌های کیفری و قوانین جزایی و تفسیر مضیق به نفع متهم، باعث می‌شود دایره جرم محدود و تعداد کمتری مجرم شناخته شوند. وکیل در برابر موکل و جامعه مسئول است. باید از موکل دفاع کند و نسبت به اجرای عدالت و اجرای صحیح قوانین نظارت و پافشاری نماید. یکی از محدودیت‌های وکلا در این ماده این است که تلاش وکیل در مقام دفاع باید احراز و اثبات عدم وجود هیچ یک از شرایط مقرر و احصاء شده در ماده ۴۵ باشد. که در جواب سوال اول به شرایط اشاره شد.

گفته می‌شود به تمام محکومان پیشین اعدام که مشمول تغییر حکم می‌شدند، فارغ از میزان موادی که حمل می‌کردند، ۲۵ تا ۳۰ سال حکم زندان و جریمه سنگین داده است. آیا شما تناسبی در صدور این احکام می‌بینید؟

طبق ماده ۴۵ و تبصره آن و دستورالعمل مورد اشاره در مباحث قبلی محکومان به اعدامی که شامل این قانون هستند مشمول یک درجه تخفیف شدند و تمامی محکومان نسبت به اصلاح احکام اقدام نمودند.

مطابق بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی ایران دولت مکلف به حمایت قانونی از افراد و پیریزی اقتصادی صحیح و عادلانه جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آحاد ملت است و همچنین بر اساس اصل ۲۹ همان قانون، برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند. تا زمانی که این اصول به درستی اجرا نشوند شاهد افزایش بزهکاری از جمله خرید و فروش مواد مخدر



به علت ارتکاب بزه نگهداری ۱۰۰ گرم هروئین به اعدام محکوم و دارای سابقه محکومیت حبس ابد است، با توجه به مراتب فوق الذکر، مشمول بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است»

و ... خواهیم بود و قضات دادگاه‌ها در احکام صادره می‌توانند با وضعیت فردی و خانوادگی و شرایط دیگر مجرم را لحاظ قرار دهند.

در مجموع به نظر شما سلیقه‌ای برخورد کردن قضات با توجه به تبصره‌های این چینی در دادگاه‌ها می‌تواند در احکام اعدام موثر باشد

در رابطه با ابهازدایی از ماده ۴۵ و بخصوص بند ت آن چند نظریه مشورتی ارائه شده که می‌توان بعضی از ایرادات وارده به ماده را برطرف نماید؛ از جمله نظریه شماره ۷/۹۶/۲۱۶۷ مورخ ۱۴/۹/۹۶ که عین نظریه را خدمت‌تان عرض می‌کنم: مقنن در بند (ت) ماده واحده الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲، اوزانی را به عنوان نصاب پیشبینی کرده است و در ذیل این بند مقرر داشته است، «اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز می‌باشد.» از مجموع صدر و ذیل بند (ت) مذکور درخصوص جرایم ارتكابی قبل از لازم الاجرا شدن این قانون به دست می‌آید که ارتکاب جرائم موضوع بند (ت) یاد شده اگر بیش از نصاب‌های مذکور در این بند باشد، در صورتی مستوجب مجازات اعدام است که یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز وجود داشته باشد، به عبارت دیگر برابر بند (ت) یاد شده برای شمول مجازات اعدام نسبت به جرائم ارتكابی قبل از لازم الاجرا شدن این قانون دو شرط لازم است:

۱. بیش از نصاب مقرر در بند (ت) یاد شده باشد.
۲. یکی از شرایط مقرر در بندهای (الف)، (ب) و یا (پ) هم موجود باشد. بنابراین هرگاه یکی از این دو شرط مفقود باشد، مجازات اعدام هم منتفی است. اقتضای قاعده تفسیر نصوص جزایی به نفع متهم در موضع شک نیز موید همین نظر است و نظر مخالف این نتیجه غیر منطقی را در بر دارد که مقنن در مورد مرتکبان قبل از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون که مشمول یکی از بندهای (الف)، (ب) یا (پ) هستند، تفاوتی بین این که جرم ارتكابی آنان بیش از نصاب مقرر در بند (ت) بوده یا نبوده است، قائل نشده است و این برداشت مغایر با اصل حکمت مقنن است، بنابراین در فرض سوال که قبل از لازم الاجرا شدن قانون مورد بحث، فردی

آیا می‌توان انتظار داشت که قوانین مشابهی در زمینه‌های دیگر، مانند ممنوعیت اعدام کودکان، یا ممنوعیت اعدام در ملاء عام تصویب شوند؟ ظاهراً قانون محدود کننده اعدام کودکان (موسوم به ماده نود و یک) به اندازه قانون جدید مواد مخدر موثر بوده است.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تحولی رو به جلو بود در این ماده آمده که در جرایم موجب حد قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده محکوم می‌شوند. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید تشخیص رشد و کمال عقل مجرمان کمتر از ۱۸ سال نیازمند بررسی کارشناسان پزشکی قانونی است که جای امیدواری دارد با بررسی‌های کارشناسان پزشکی قانونی از اعدام کودکان کاسته شود.

با توجه به اینکه ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۵۴ پیوسته و همچنین کنوانسیون حقوق کودک در سال ۷۲ به آن پیوسته و در هر دو سند تاکید بر لغو اعدام کودکان و نوجوانان دارد و همچنین پاسخگویی به نهادهای حقوق بشری امیدوارم در آینده شاهد تصویب قوانینی باشیم که دیگر کودکی اعدام نگردد.

اما در خصوص اعدام‌های ملاء عام متأسفانه همچنان شاهد اعدام در ملاء عام هستیم هر چند نسبت به گذشته خیلی کم شده است. از نظر کارشناسان اعدام تأثیری در کاهش جرایم نداشته چرا که با اعدام از تعداد مجرمین کاسته نشده بلکه شاهد افزایش مجرمان در زمینه‌های مختلف نیز هستیم. و همین‌طور خلاف موازین حقوق بشری است که امید است نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رای‌زنی و تصویب قوانین متناسب با جامعه امروز نسبت به اعدام تمامی جرایم پایان دهند.

پیام درفشان در گفت‌وگو با حقوق ما:

قضات در تمامی حوزه‌ها می‌توانند سلیقه‌ای عمل کنند



دلبر توکلی

دو دهه از اعدامش می‌گذرد، پانزده سال داشت که به جرم حمل هروئین دستگیر شد. او را در زندان زیر ۱۸ سال یا همان کانون اصلاح و تربیت ملاقات کردم. قرار بود با بچه های کانون، تئاتر درمانی کار کنم. از داوطلبان در گروه تئاتر خواستم تا یک نقش کوتاه را با موضوع دلخواه‌شان اجرا کنند. نوبت به علیرضا که رسید، صحنه مرگش را بازی کرد. خُشکم زده بود.

در لحظه مرگش قبل از اعدام، با خواهر و برادر کوچکترش با این جملات وداع کرد: «من هرگز حتی یک سیگار هم نکشیدم، بعد از این که پدرمان از ساختمان پرت شد و من باید خرج خانواده را تأمین می‌کردم، چاره‌ای برای نمانده بود جز این که زندگی‌ام را برای تأمین آینده شما معامله کنم. آنها به من گفتند این بسته را به آدرسی که ما می‌گوئیم به تهران ببر و پانصد هزار تومان به تو می‌دهیم، پانصد هزار تومان! در یکی از ایست‌های بازرسی، ساک دستی‌ام را گشتند و مرا دستگیر کردند، بعد از دستگیری فهمیدم که محتوی بسته هروئین بود.» علیرضا سه سال آخر عمرش را به امید عفو و آزادی از زندان گذراند اما در صبحگاه یکی از روزهای پاییزی ۱۳۷۷، چهارپایه را از زیر پایش کشیدند و تمام!

نمی‌دانم دقیقاً آمار نوجوانانی که در این سال‌ها سرشان بالای چوبه دار رفت، چند نفر بود. اما آنچه بدیهی است،

ایران یکی از رتبه‌های برتر در اعدام را بین کشورهای جهان دارد. همین رتبه برتر موجب شد تا از سوی تمام سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی مورد انتقاد قرار بگیرد و در نتیجه، قانون مبارزه با مواد مخدر پس از فراز و نشیب‌های بسیار، با الحاق یک ماده در تاریخ دوازدهم مهر ماه ۱۳۹۶ اصلاح و به اجرا در آمد. این ماده واحده، کم و بیش، گستره جرایم مستوجب مجازات اعدام را محدودتر کرده است. در همان روزها، حسن نوروزی، سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس ایران، در گفت‌وگویی با مجله حقوق ما خبر از بررسی حکم اعدام ۱۵ هزار تن داد. با گذشت یک سال از به اجرا درآمدن این قانون، همچنان ایران صدر نشین جدول اعدام در بین کشور های جهان است. در این خصوص با پیام درفشان، عضو کانون وکلای مرکز، گفت‌وگویی داشتیم که در پی می‌آید:

آقای درفشان! همان‌طور که می‌دانید، تقریباً یک سال از اجرای الحاق ماده قانونی که منجر به تخفیف در مجازات اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر می‌شود، گذشت. امید بر این بود که پس از اجرایی‌شدن آن با کاهش چشمگیر در آمار تعداد اعدام‌های مربوط به مواد مخدر رو به رو شویم، این امر تا چه اندازه محقق شد؟

اجازه بدهید با اشاره به دو پرونده از موکلینم در سال گذشته



جواب این سوال را بدهم، یکی از آنها به جرم داشتن یک کیلو و ۶۲۱ گرم و ۴۰ سانت شیشه، و ۱۰ کیلو و ۱۵۰ گرم مواد پیش‌ساز از نوع تولوئن، استون و اسید هیدرو کلرید به قصد تولید شیشه و ۱۲ عدد پایپ، به تحمل ۳۰ سال حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم شد و دیگری به جرم حمل و نگهداری ۱۳۹ گرم شیشه و استعمال شیشه، به ۲۶ سال حبس و جزای نقدی محکوم شد. باید بگویم، بسیاری از مواردی که سابقا مستند به مواد ۴ و ۵ و به خصوص ماده ۸ (میزان بسیار اندک مواد، مقیاس صدور حکم اعدام گردیده بود) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن دیگر منجر به صدور حکم اعدام نشد و در نتیجه قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر به طرز بسیار محسوس در کاهش صدور احکام اعدام موثر بوده است.

آیا قضاتی وجود دارند که با وجود اجرایی شدن این قانون به آن عمل نکنند و یا سلیقه‌ای برخورد کنند؟ در مجموع به نظر شما سلیقه‌ای برخورد کردن قضات با توجه به تبصره‌های اینچنینی در دادگاه‌ها می‌تواند برای کاهش اعدام موثر باشد؟

متأسفانه، قضات در تمامی حوزه‌ها می‌توانند سلیقه‌ای عمل کنند. اما اگر آراء برخلاف شرایط تصریح شده صادر شود، با توجه مرجع تجدیدنظر، نقض می‌شود.

با توجه به اینکه وفق آیین دادرسی کیفری فعلی، مرجع تجدید نظر از آراء با مجازات‌های اعدام، حبس ابد و حبس طولی‌المدت در خصوص مواد مخدر، از دادستانی کل کشور به دیوانعالی کشور تغییر یافته و مرجع دیوان عالی به طرز کاملاً محسوس و متفاوت با شعب دادستانی کل کشور (که در مواردی مشاهده می‌شد حتی پرونده‌ها را مطالعه نکرده‌اند و در چند سطر با الفاظ تکراری آراء را تایید می‌کردند) عمل می‌کند. شاهد آن هستیم که آراء فاقد شرایط بارز و ناقض قانون، از سوی دیوان عالی، نقض می‌شود. اما در خصوص میزان صدور مجازات، متأسفانه مشاهده می‌شود که به عوض اعمال سیاست کیفری مستدل، سلیقه و خلق و خوی شخصی را معیار قرار داده و آراء یکسان با وجود تفاوت اوضاع و شرایط مرتکب و ارتکاب جرم، صادر می‌کنند.

گفته می‌شود که در پرونده‌های بازبینی شده، فارغ از اینکه میزان مواد مخدر مورد اتهام آنان چقدر بوده، تقریباً به تمام آن‌ها که حکم اعدام‌شان شکسته شد، حکم حبسی حدود سی سال داده اند به نظر شما، آیا این نقض اصل تناسب جرم با کیفر نیست؟

این طور نیست، به اشتباه گفته شد که همه این افراد، سی سال حبس دریافت کرده‌اند. احتمالاً طرز صدور حکم تعداد محدودی از شعب تعمیم به عام گردیده است و ما شاهد صدور آراء دیگر نیز هستیم.

اما متأسفانه قضات، عموماً رویه یکسان در صدور آراء خود انتخاب می‌کنند و توجه لازم را وفق موازین جرم‌شناسی به پرونده‌های شخصیت اشخاص ندارند.

اشاره داشتید که آراء دیگری هم صادر شد، بیشترین آن‌ها چه بودند؟

نمونه پرونده‌ای که مثال زدم، در مورد اشخاص با مقادیر زیاد مواد اولیه تولید مواد مخدر، یقیناً با مجازات اعدام مواجه می‌شد، اما مشاهده می‌کنیم این مساله با اعمال ماده واحده، به ۲۰ سال حکم تقلیل پیدا کرد. البته شرط پاسخ دقیق‌دادن به پرسش شما این است که به آمار زندان‌های

کشور در این خصوص دسترسی داشته وجود داشته باشد که این دسترسی وجود ندارد.

با توجه به این که شما با این پرونده‌ها سر و کار دارید، بفرمائید محدودیت‌های قانونی وکلا برای استناد به این قانون در دادگاه‌ها معمولاً چه مواردی است و باید برای کدام بخش‌ها، تلاش بیشتری شود تا دست وکلا برای دفاع بیشتر باز شود؟

وکلاء در استناد به مواد قانونی در هیچ امری محدودیت ندارند، اما اگر منظور از محدودیت این است که به استناد این ماده قانونی در کدام بخش با وجود استناد وکلاء، فقدان توجه وجود دارد؛ باید اذعان داشت، متأسفانه با وجود تفاوت‌های مختلف در پرونده‌های شخصیت مجرمین اما سیاست کیفری واحد در مقابل اشخاص با شرایط گوناگون لحاظ می‌شود.

می‌توانید در این مورد توضیح بیشتری بدهید؟

بله، هر متهمی، وفق قانون آیین دادرسی کیفری جدید، می‌باید دارای پرونده شخصیت در کنار پرونده قضایی باشد که حاوی ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی متهم است. به طور مثال: اینکه توجه شود شخص فاقد سابقه کیفری

است و موقعیت شغلی و تحصیلی و ... که قضات بتوانند با توجه به ابعاد شخصی و موردی، علل وقوع جرم از حداقل تا حداکثر مجازات، برای آن جرم را تعیین کنند. اما متأسفانه این پرونده‌های شخصیت نه آن‌طور که باید حاوی اطلاعات مفید است و نه به آن توجه در صدور حکم می‌شود. مثلاً، در پرونده شخصیت نوشته: علت حمل مواد مخدر این است. اما از طرفی، محصول کشاورزی خشک شده و کارخانه‌های شهر هم تعطیل شده‌اند و از روی بیکاری برای امرار معاش خانواده چنین عملی مرتکب شده و از نظر سیاست کیفری باید به «اضطراب مرتکب» توجه شود، اما نمی‌شود و این بزرگترین ضعفی است که به خصوص در عواقب بی‌توجهی شیوه دادرسی در پرونده‌های مواد مخدر که مجازات‌ها بسیار سنگین می‌باشد، وجود دارد.

آیا می‌توان انتظار داشت که قوانین مشابهی در زمینه‌های دیگر، مانند ممنوعیت اعدام کودکان، یا ممنوعیت اعدام در ملاءعام تصویب شوند؟ ظاهراً قانون محدودکننده اعدام کودکان (موسوم به ماده ۹۱) به اندازه‌ی قانون جدید مواد مخدر موثر نبوده است؟

پاسخ این سوال مبسوط و در حوزه جرم‌شناسی و مستلزم ورود به مباحث میان رشته‌ای خصوصاً جامعه‌شناسی می‌باشد. اما به اختصار می‌توان با ذکر مثالی توضیح داد. بنا بر سابقه مشاهده می‌کنیم طبق دستور ریاست پیشین قوه قضائیه مجازات رجم از نظام حقوق کیفری ایران حذف شد. اگر بتوانیم مواردی که موجب این امر شد را در حوزه‌های دیگر نیز پررنگ نماییم و فشار افکار عمومی و فشار جامعه جهانی را به میزان یکسان با آن سبقه به دست آوریم؛ می‌توان امید داشت که در درجه اول فرهنگ‌سازی داخلی برای پذیرش قبح اعمال مجازات‌های بدنی که در اوج آن سلب حیات قرار دارد و سپس فشار بایسته جامعه جهانی بتواند موجب ایجاد تغییرات در نوع مجازات‌ها حیطه‌های دیگر گردند.

فشار برای پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص بالغ شرعی از ناحیه تفاسیر فقهی جاری توسط اکثریت مراجع تقلید مانع اجرای ماده ۹۱ شد.

علی مجتهدزاده: مسائل حقوقی را سیاسی نکنیم



شهرزاد کریمی

ماده ۴۵ قانون مجازات مواد مخدر از سوی طیف‌های مختلف سیاسی پیشنهاد و حمایت شد. انگیزه اصلی تصویب این قانون، کاهش اعدام بود؛ هم به دلیل این‌که عده‌ای به بی‌اثر بودن حکم اعدام -حداقل در جرائم مواد مخدر- پی برده بودند و هم به این دلیل که آمار و ارقام با در نظر گرفتن نسبت جمعیتی، ایران را به بالای جدول تعداد اعدام‌ها برده بود. حال بیش از یک‌سال از لازم‌الاجرا شدن ماده ۴۵ در سراسر کشور می‌گذرد. علی مجتهدزاده، وکیل دادگستری، معتقد است قطعاً این قانون تأثیر مثبتی در کاهش اعدام‌ها داشته است و البته یکی از نقاط مثبت در رابطه با تصویب ماده ۴۵ را پیگیری تصویب آن از سوی طیف‌های مختلف می‌داند. به نظر مجتهدزاده، برای بهتر کردن قوانین باید تلاش کرد ولی تا جای ممکن باید از سیاسی کردن موضوعات حقوقی دوری گزید. در ادامه گفت‌وگوی «حقوق ما» را با این وکیل پایه یک دادگستری می‌خوانید:

درباره خود این تبصره و تغییرات بعد از آن نسبت به قبل برای ما توضیح دهید

تصویب این قانون بسیار چالش‌برانگیز بود و مخالفت‌های بیشماری هم با آن وجود داشت. جالب است کسانی که در تصویب این قانون خیلی موثر بودند آقای دهقان نماینده

طرقه و عضو جبهه پایداری و آیت‌الله احمدی شاهرودی عضو اصلاح‌طلب مجلس خبرگان و قاضی عالی‌رتبه دیوان بودند که به شدت بدنبال تصویب این طرح بودند و در آخر هم آن را به نتیجه رساندند.

سابق براین برای مواد مخدر صنعتی و هروئین از بالای سی یا چند گرم بیشتر حکم اعدام صادر می‌شد که واقعاً خیلی حکم ناعادلانه‌ای بود و حتی برای هیچ‌کس سابقه را در نظر نمی‌گرفتند و فقط حمل آن را در حکم اعدام می‌دانستند. ولی خب خوشبختانه این قانون جدید خیلی ارفاق‌آمیز است. نسبت به قانون قبل و موارد اعدام بسیار کم شده است. حالا مجازات اعدام بیشتر درباره موارد و باندهای مسلحانه و کسانی که سوابق متعدد دارند، محدود شده است.

حدود یک سال از الحاق یک ماده به قانون مبارزه



مواد مخدر می‌گذرد. این قانون در زمان تصویب، امیدهای زیادی را برای کاهش تعداد اعدام مربوط به مواد مخدر ایجاد کرد. آیا شما یا همکاران‌تان شاهد تأثیرات این قانون و کاهش اعدام‌ها بودید؟

این قانون قطعاً برای کاهش اعدام موثر بوده است. حتی کسانی که سابقاً حکم اعدام گرفته بودند، بعضاً با توجه به این که قانون جدید نسبت به قبل خفیف بوده، عطف به ما سبقت شده است و توانسته‌اند درخواست اعاده دادرسی بدهند و درخواست‌هایشان بعداً پذیرفته شده است. این اتفاق یک گام خیلی بزرگ بود که در سیستم قضایی ایران برداشته شد. با توجه به این‌که قانون مواد مخدر بسیار سخت‌گیرانه بود و در احکامی اعدامی که صادر می‌شد فقط فرد اعدامی نبود که جانش را از دست میداد، بلکه باعث شده بود خانواده‌های زیادی دچار فقر شوند یا از هم بپاشند. وقتی خانواده‌ای سرپرستش را از دست می‌دهد از هم پاشیده می‌شود.

آیا قضاتی وجود دارند که با وجود اجرایی شدن قانون آن را اعمال نکنند یا سلیقه‌ای برخورد کنند و به چه دلیل؟

این قانون چیزی نیست که بشود با آن سلیقه‌ای برخورد کرد. ممکن است قاضی بین حداقل و حداکثر دومی را اعمال کند ولی نمی‌تواند حکم اعدام صادر کند. در حالی که سابقاً به راحتی حکم اعدام صادر می‌شد و چون از نگاه خیلی از افراد جرائم مواد مخدر جرم کثیفی است، مجرمین مرجع و پناهگاهی هم برای اعتراض نداشتند و اعتراضات هم عموماً به جایی نمی‌رسید. بعضی از قضات وجود دارند که نگاهشان سختگیرانه‌تر است. مثلاً پرونده‌های امنیتی به سه شعبه مشخص واگذار می‌شود بدلیل اینکه می‌دانند این قضات سختگیری زیادی اعمال می‌کنند. در جرایم مواد مخدر هم به همین شکل است. ممکن است پرونده‌ها به قضاتی داده شود که سختگیرتر باشند. ولی بهر حال قانون دست آن‌ها را خیلی باز نمی‌گذارد و نمی‌توانند از حداکثر مجازات مقرر فراتر بروند. ولی خب جرائم مواد مخدر جز دسته‌ای جرم‌هاست که سختگیری در مورد آنها اعمال می‌شود

محدودیت‌های قانونی وکلا برای استناد به این قانون در دادگاه‌ها معمولا چه چیزهایی است و بنظر شما باید برای کدام بخش‌ها تلاش بیشتری شود تا دست وکلا بیشتر باز شود؟

وکلا خیلی محدودیتی برای استناد به این قانون ندارند. قضات باید توجیه باشند که احکام سختگیرانه‌ای که صادر میکنند، چقدر می‌تواند بر شرایط و زندگی فرد محکوم و خانواده‌اش تاثیر بگذارد. وکلا برای استناد به قانون محدودیتی ندارند ولی باید قضاتی برای جرائم مواد مخدر در نظر گرفته شوند که تنها با نگاهی قانونمند به جرائم و مجرمین نگاه نکنند بلکه شرایط خانوادگی متهم، شرایط اخلاقی، مالی و دلایل رو آوردن به جرم و در مجموع موارد مخففه در نظر گرفته شود.

گفته می‌شود به تمام محکومان پیشین اعدام که مشمول تغییر حکم می‌شدند، فارغ از میزان موادی که حمل می‌کردند، ۲۵ تا ۳۰ سال حکم زندان و جریمه سنگین داده است. آیا شما تناسبی در صدور این احکام می‌بینید؟

وقتی مجازاتی جایگزین اعدام می‌شود، مسلما مجازات سبکی نیست. در همه دنیا آن چیزی که جایگزین مجازات اعدام می‌شود حبسهای سنگین بین ۱۵ تا ۲۵ یا حتی حبس ابد می‌تواند باشد. اما این الزامی نیست؛ خیلی از موارد هم هستند مثل کسانی که بار اولشان بوده برفرض سی و چند گرم هروئین داشته است می‌تواند کمتر مجازات بگیرد. اما از نظر قانونی وقتی که مجازاتی جایگزین مجازات اعدام میشود، شک نکید مجازات سبکی نخواهد بود. با این حال، می‌شود توقع داشت که مجازاتها کمتر هم بشود و البته ایرادی هم ندارد اگر کمتر شود.

آیا می‌توان انتظار داشت که قوانین مشابهی در زمینه‌های دیگر، مانند ممنوعیت اعدام کودکان، یا ممنوعیت اعدام در ملاء عام تصویب شوند؟ ظاهرا قانون محدود کننده اعدام کودکان (موسوم به ماده ۹۱) به اندازه قانون جدید مواد مخدر موثر بوده است. بله باید انتظار داشت و باید توقع داشت که مجازات اعدام

در همه جرائم برداشته شود. ولی با توجه به بافت فرهنگی که ما داریم، در قتل ما نمیتوانیم این توقع را داشته باشیم. قتل حساسیت خیلی زیادی دارد و شاید جامعه ایران این موضوع را قبول نکند. قصاص از حدودی است که غیر قابل تعطیل است. ولی در خصوص سایر جرائم تا جایی که می‌توانیم باید مجازات اعدام را محدود کنیم. سیاست جدید ایران بر حبس‌زدایی است این‌که چقدر این سیاست در عمل وجود دارد، نمی‌دانم. ولی این‌که اعلام می‌شود، یعنی دارند به سمتی می‌روند که مجازات‌ها را سبک‌تر بگیرند و مجازات‌های جایگزین بگذارند. وقتی به دنبال جایگزینی حبس می‌روی باید قطعا دنبال جایگزینی اعدام هم باشی. مجازات اعدام باید در موارد خیلی خاص مثل تجاوز به عنف یا سرقت‌های مسلحانه در حد محاربه که کسانی جانشان را از دست می‌دهند انجام شود. در چنین مواردی به نظر من اصلا محل بحث نیست و جای گفتگو ندارد ولی در خصوص مواد مخدر و اعدام کودکان و یا جرایم اقتصادی که این روزها حکم اعدام صادر می‌شود، می‌تواند مجازات جایگزین صادر شود. مجازات اعدام مجازاتی غیرقابل برگشت است و اگر فردا به نتیجه برسیم که این احکامی که صادر شده سنگین بوده صرف نظر از این‌که قاضی و سیستم قضایی نمی‌تواند با وجدان خودش کنار بیاید و سر بلند کند ، آقایان که معتقد هستند در روز قیامت باید جواب بدهند. به همین دلایل باید مجازات اعدام را تا جای ممکن محدود کنند مخصوصا در جرائم کودکان، مواد مخدر و جرائم اقتصادی که این‌روزها شاهد هستیم یک آیین دادرسی عجیب و غریبی درباره‌اش تدوین کرده‌اند و حقوق این متهمان در حال تضعیع شدن است. اعلام می‌کنند که اینها غارتگر اموال مردم بودند در حالی‌که متهمانی که ما می‌بینیم مواردشان مربوط به بیت‌المال هم نیست و حکم‌هایی که داده می‌شود محل ابهام جدی است و برای من به عنوان یک حقوقدان به هیچ عنوان پذیرفته نیست. جامعه حقوقدانان و وکلا باید تلاش کنند و صدایشان بلند باشد در این زمینه. ولی نباید سیاسی برخورد کرد. مثلا اگر بگوییم فقط اصلاح‌طلبها بدنبال این قصه هستند حساسیت از سوی طیف مقابل ایجاد می‌شود. کما اینکه یکی از طراحان اصلی این قانون جز جبهه پایداری بوده است که حتی خود من تصورش را نمی‌کردم.



سه شعر از مهتاب خرمشاهی

۱

برف آمده برف
زمستان از خواب بیدار شده
و آه بلندی م کشد
سپیدپوش‌ام
اما به عزای او نشسته‌ام
دختر گل‌فروشی
که دستانش پرپر شد
پسر فال‌فروشی
که زیر بارش من
با حافظ وداع کرد
سپیدپوش‌ام
اما به عزا نشسته‌ام
به عزای شمایی
که شهر و شعر
از شما خالی می‌شود

سپیدپوش‌ام
اما روی‌ام سیاه
شما را به دست شغال‌ها سپردم
و تمام فصل‌ها
خائن‌ام خواندند
امروز آمده‌ام
به خونخواهی
آمده‌ام
تا با شما بگویم
برف آمده برف
و با شما بیدار شوم

۲

همیشه با یک حرف آغاز می‌شود
با یک بغض
با یک شکستن
و در بمباران بی‌رحمی
شاعرانه‌ترین شعر
خاکستر می‌شود
اینجا شاعری
جان می‌دهد
اما روحش را
هرگز نمی‌فروشد

۳

بخوان
من از صدای شکفتن پنجره
از ترنم بی‌تاب برگ
که در رگان خاطره جاری ست
آغاز می‌شوم
بخوان و دوباره بخوان
ای از تبار و قبیله‌ی من
تن‌ام را به تو می‌سپارم
در فصل شکستن
بغض گران من
در آغوش تو می‌ترکد
بخوان
مگر نمی‌بینی
تابوت‌ها با زخم‌های تازه
تاب می‌خورند
خاک با جامه‌ی سیاه
شیون سر داده است
مگر نمی‌دانی
که جغد پیر شهر
هر شب در گوش کاج سوخته
از زوزه‌ی گرگ می‌گوید
ببار باران!
همیشه ببار
که آمدنت
میان مجال نمناک نگاه و حسرت
سرخ‌ی بوسه‌ای ست
بر سیاهی لبان سکوت

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

